

اظهار نظر کارشناسی درباره:
«طرح تسهیل اعطاء تسهیلات بانکی و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در
اجراء طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارآیی بانکها»

مقدمه

شماره ثبت:

۶۶۸

شماره چاپ:

۱۷۲۲

تاریخ چاپ:

۱۳۸۶/۲/۱۶

نام دفاتر:

معاونت پژوهشی

مطالعات اقتصادی

مطالعات حقوقی

هم‌اکنون دریافت‌کنندگان تسهیلات با مشکلاتی از قبیل سپردن انواع وثیقه‌ها، طولانی شدن زمان بررسی طرح‌ها و اعطای وام و هم بانک‌ها با مشکلاتی از قبیل عدم تکافوی منابع مالی برای پرداخت بیش‌تر به متقاضیان و عدم تأدیه بدهی دولت به نظام بانکی مواجه‌اند. علیرغم وجود قوانین متعدد در این خصوص خیلی از مشکلات همچنان پابرجاست که این طرح در این راستا ارائه شده ولی خود نیز دارای اشکالات متعددی است. باتوجه به دوفوریتی بودن امکان تحقیق دقیق پیرامون این طرح وجود نداشته لکن بررسی به شرح موارد زیر ارائه می‌شود:

ماده (۱): ممنوعیت وثیقه املاک خارج از طرح در قانون عدم سپردن وثیقه ملکی ... مصوب سال ۱۳۸۰ و بند «ج» تبصره «۲» بودجه سال ۱۳۸۶ و تبصره «۱» قانون منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی مصوب ۱۳۸۵ وجود دارد، لذا اصل ماده زائد به نظر می‌رسد. به‌علاوه **عوائد آتی طرح**، قابل احتساب نیست و درج آن عملاً امکان اجرا را برای بانک‌ها دشوار خواهد ساخت. با توجه به این‌که «مؤسسات معتمد بانک» تاکنون تشکیل نشده و هیچ‌گونه ضابطه‌ای برای اجرای آن وجود ندارد. از سوی دیگر طرح‌هایی که دارای توجیه اقتصادی هستند ولی قابلیت ترهین را ندارند از شمول ماده (۱) خارج‌اند نظیر طرح‌های پرورش ماهی، طرح‌های کشاورزی و ... که باید برای آن‌ها فکری کرد.

ذیل ماده (۱): اعمال نظارت بانک‌ها بر اجرا و بهره‌برداری طرح‌ها تا تسویه حساب کامل فاقد هرگونه حکم و ضمانت اجرائی است، لذا مناسب است: پرداخت تسهیلات متناسب با پیشرفت کار انجام شود تا ضمانت اجرائی برای اعمال نظارت وجود داشته باشد.

تبصره «۱»: ذکر مدت ۴۵ روز به‌طور کلی در طرح‌های پیچیده و کلان عملاً بانک‌ها را دچار مشکل می‌کند. لازم است در مواردی متناسب با حجم سرمایه و ارزش سرمایه‌گذاری و پیچیدگی کار خصوصاً در موارد تکنولوژی‌های جدید امکان تمدید وجود داشته باشد که در این‌باره می‌توان تشخیص آن را طبق آیین‌نامه‌ای به بانک مرکزی واگذار نمود.

تبصره «۲»: به لحاظ آن‌که ضمانت اجرائی ندارد و اختیاری است می‌تواند حذف شود. به‌علاوه تبصره «۲» قانون منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی نیز چنین اولویت‌هایی را برای طرح‌های دارای توجیه اقتصادی در نظر گرفته است.

تبصره «۳»: این تبصره در واقع تکرار قانون سال ۱۳۸۰ درخصوص عدم الزام سپردن وثیقه ملکی و بند «ح» تبصره «۲» قانون بودجه سال ۱۳۸۶ و تبصره «۱» قانون منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی مصوب ۱۳۸۵ است و زائد به نظر می‌رسد.

تبصره «۵»: اگر مراد از تبصره این است که ۲ درصد ارزش کسری وثائق طرح برای پوشش ریسک استفاده شود یعنی علی‌الاصول بانک‌ها ملزم شده‌اند که این طرح‌ها را بیمه کند، در این صورت مدت پوشش بیمه باید کل زمان تسویه تسهیلات را دربرگیرد و نه یکسال و لذا نیاز به هزینه مجدد دارد. در صورت افزایش مدت زمان به کل دوره تسویه حساب می‌تواند مغایر اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی باشد، زیرا بار مالی دارد. به‌علاوه نرخ بیمه ۲ درصد در مقایسه با نرخ متعارف دنیا زیاد است و به‌نظر در حد ۱ درصد قابل قبول است و دریافت آن نیز مناسب است به نحو اقساط لحاظ شود. از سوی دیگر علی‌الاصول این ۲ درصد به کارمزد تسهیلات بانک‌ها افزوده می‌شود و عملاً با مصوبه مجلس برای منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی و الزام دولت به کاهش آن انطباق ندارد و سیستم بانکی را به اعطای تسهیلات با بازدهی ثابت سوق می‌دهد.

شماره مسلسل:

۱۹۰۸۳۲۱

تاریخ انتشار:

۱۳۸۶/۲/۱۷

تبصره «۶»: به لحاظ آن که اجرای آن مستلزم انجام کار کارشناسی است، برای بانک عامل بار مالی دارد و مغایر اصل هفتادوپنجم قانون اساسی است، مگر این که اجرای آن با پرداخت هزینه از سوی متقاضی همراه باشد.

تبصره «۷»: این تبصره عملاً اصلاح بند «الف» ماده (۱۰) قانون برنامه چهارم توسعه و بند «ج» ماده (۱۰) و ماده (۱۱) قانون برنامه چهارم توسعه است که احکام خاصی برای تسهیلات اعطایی در نظر گرفته است و لذا قابل درج در ضمن طرح نیست.

تبصره «۹»: صدر این تبصره تکرار ماده (۱۵) اصلاحی قانون عملیات بانکی بدون ربا و تبصره‌های الحاقی آن در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۶ است و حکم جدیدی ندارد. به علاوه ذیل آن می‌تواند به نحو ذیل اصلاح شود: متقاضی تسهیلات مکلف است حسب آیین‌نامه مستندسازی اموال غیرمنقول دستگاه‌های اجرائی مصوب ۱۳۸۰/۴/۱۰ و اصلاحیه‌های بعدی مصوب دولت نسبت به اخذ سند مالکیت نیز اقدام و آن را ضمیمه قرارداد منعقد نماید. عدم طی تشریفات مزبور، مانع پذیرش دارایی موضوع به‌عنوان رهنه از سوی بانکها نخواهد بود. دستگاه‌های اجرائی مربوط از جمله وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت جهاد کشاورزی، سازمان صنایع کوچک، شرکت شهرک‌ها و نواحی صنعتی، سازمان اوقاف و امور خیریه موظفند در این قبیل موارد بنا به درخواست بانک یا مؤسسه مالی و اعتباری، طرف قرارداد متقاضی، کلیه حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد واگذاری زمین را حسب مورد به بانک و یا مؤسسه مالی و اعتباری و یا اشخاص معرفی شده از سوی آنان منتقل نمایند. دستگاه‌های مذکور هم‌چنین موظفند در صورت تغییر یا تعویض قرارداد نیز حسب تقاضای بانک و یا مؤسسه مالی و اعتباری از طریق دفاتر اسناد رسمی مربوط جهت تفویض اختیار لازم در اسرع وقت اقدام نمایند.

ماده (۳): اعتبار اسنادی داخلی در نظام بانکی امری رایج نیست و آنچه در ICC مورد عمل است برای استفاده از آن در تجارت بین‌الملل است. به علاوه استفاده از روش رایج پرداخت نیازی به قانونگذاری ندارد و علی‌الاصول براساس دستورالعمل‌های نظام بانکی قابلیت اجرا دارد.

ماده (۴): تبدیل اوراق مشارکت به سهام نیاز به وضع قوانین و مقررات تفصیلی دارد می‌تواند نحوه تبدیل آن موکول به آیین‌نامه‌ای شود که به پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی و دادگستری تهیه و به تصویب هیأت وزیران برسد.

ماده (۵): به‌کارگیری برخی از نهادهای جدید مالی مذکور در طرح مغایر سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی است. همچنین به نظر می‌رسد به لحاظ بار مالی نیز مغایر اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی است.

ماده (۶): مغایر سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی است.

ماده (۷): تسویه بدهی دولت از محل حساب ذخیره ارزی به مصلحت نیست. افزایش سرمایه بانکها نباید به‌عنوان تسویه بدهی دولت محاسبه شود. از سوی دیگر اگر بناست حکم این ماده برای بانک‌های دولتی و تخصصی باشد در تبصره «۲» بودجه سال ۱۳۸۶ دارای حکم است. به علاوه اگر کل بانکها از جمله بانک‌های تجاری را دربرگیرد مغایر سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی است. بانکها می‌توانند برای افزایش سرمایه خود از تجدید ارزیابی دارایی‌ها و یا افزایش سرمایه استفاده کنند.

ماده (۸): اعطای اختیارات شورای عالی بانکها به هیأت مدیره بانکها ایجاد اشکال می‌نماید. زیرا اعضای شورای عالی بانکها از وزارتخانه‌های مختلف بوده و امکان ایجاد هماهنگی کلی در سطح کشور بین بانکها وجود داشته است. حذف این شورا و واگذاری اختیارات به هیأت مدیره بانکها عملاً ایجاد سیاست واحد را در کل نظام بانکی دچار مشکل می‌سازد. (لایحه قانونی اداره امور بانکها مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب) از سوی دیگر طبق لایحه قانونی متمم آن این شورا امکان واگذاری بخشی از اختیارات خود را به هیأت مدیره بانکها دارد. واگذاری این اختیارات به هیأت مدیره بانکها خصوصاً در تعیین حقوق و دستمزد کارکنان بانکها ایجاد مشکل در عدم هماهنگی می‌نماید. بر این اساس حذف شورای عالی بانکها بسیاری از احکام موجود در قوانین مختلف را معطل گذارده که به لحاظ ماهوی با وظایف هیأت مدیره بانکها انطباق ندارد.

ماده (۹): تکرار تبصره «۹» ماده (۱) است و در قوانین موجود حکم آن وجود دارد و زائد به نظر می‌رسد. به‌علاوه در ذیل ماده (۹) به جای «برای رسیدگی پرونده‌های بانکها» بهتر است عبارت «جهت رسیدگی به دعاوی ناشی از قراردادهای منعقد با اشخاص حقیقی و حقوقی ناشی از پرداخت تسهیلات» جایگزین شود.